



یادداشت

از اعتصاب سراسری کارگران نفت و پتروشیمی حمایت کنیم

صادق کار



تنها سه روز بعد از پایان یافتن انتخابات نمایشی حکومت و شکست مفتضحانه آن در اثر تحریم گسترده مردم و نیروهای سیاسی و مدنی، در حالی که هنوز مهندسان حرفه‌ای و سازمان دهندگان آن مشغول تقلب و رای سازی برای نامزد اصلح حکومت ابراهیم رئیسی بودند و روسای اتاق بازرگانی از برگماردن رئیسی به وجد آمده و خود را برای تعدیلات بیشتر حقوق و سرکوب کارگران آماده می کردند، کارگران مبارز و حق طلب و آگاه پیمانی و پروژه‌های اعتصابی را شروع کردند که به سرعت با پیوستن کارگران ده‌ها شرکت به آن به یک اعتصاب سراسری فرا روئیده و دامنه آن همچنان در حال گسترش است. اکنون حداقل کارگران ۵۰ شرکت در مناطق مختلف کشور از خارک و آبادان گرفته تا تهران، اصفهان، ارومیه ... در حال اعتصاب بسر می روند. این اعتصاب بی سابقه اینک باعث سرآسیمگی مقامات حکومتی گردیده و آنها را دچار هراس و به تقلا انداخته است. در حالیکه رسانه های داخل از انتشار اخبار این اعتصاب پرشکوه خودداری می کنند و به سرکوب خبری آن مشغولند، مسئولینی که تا کنون چشم بر اعتراضات کارگران بسته بودند، اینک به دست و پا افتاده‌اند بلکه زودتر به این اعتصاب مهم در مراکز پرسود و درآمد نفتی که موجب توقف سودهای نجومی صاحبان شرکتهای پیمانکار شده پایان دهند. کار بجایی رسیده که وزیر نفت هم خودش را طرفدار کارگر می خواند و روسای کمیسیونهای مهم اقتصادی و صنعتی مجلس هم به اتفاق نماینده دولت در تکاپو هستند هرچه زودتر به این اعتصاب سراسری خاتمه دهند. این تلاشها در حالی در جریان است که کارگران گفته‌اند تا رسیدن به خواسته هایشان به اعتصاب شان ادامه خواهند داد. برخی خبرها نیز حاکی از آنان اند که کارفرماها ظاهرا تا کنون با افزایش دستمزد کارگران اعتصابی موافقت کرده‌اند. اعتصاب سراسری کارگران اگر چه بر زمینه اعتراضات یک سال گذشته شکل گرفته، ولی از این لحاظ که با تغییر دولت و روی کار آمدن دولت رئیسی تحت نفوذ و حمایت اتاق بازرگانی تقارن پیدا کرده نیز حائز اهمیت است و پاسخی است به برنامه های ضد کارگری اتاق ایران و دولت رئیسی که می خواهند با افزودن اندکی به یارانه ها سطح دستمزدها را بجای افزایش که خواست کارگران است پائین بیاورند و سرنوشت کارگران و مناسبات کارگری - کارفرمایی را بطور دربست به اتاق بازرگانی اعطا کنند.



شروع این اعتصاب در آستانه تغییر دولت همچنین حاکی از آن است که کارگران فریب ظاهر و عده‌های کاذب معیشتی و "عدالتخواهان" رئیسی و محافظه کاران حامی وی را نخورده‌اند. که اگر فریب آنها را خورده بودند، حداقل تا تشکیل دولت جدید اعتصاب شان را به عقب می انداختند. اصرار اعتصابیون برای اجرای بخشنامه وزارت نفت تا قبل از پایان کار دولت روحانی نیز موید بی اعتمادی به دولت رئیسی است. دولتی که می تواند از دولت روحانی هم ضدکارگری تر باشد.

علاوه بر کارگران شرکتهای پیمانکاری و پروژه‌های کارگران تعدادی از نیروگاه های برق نیز به این اعتصاب بی مانند در سالهای بعد از انقلاب پیوسته‌اند. خواسته های کارگران اعتصابی خواسته های به حق و طبیعی هستند که تا کنون دولت و کارفرمایان از پذیرفتن شان امتناع ورزیده‌اند. افزایش حداقل دستمزد به اندازه هزینه سبد خواروبار به ۱۲ میلیون تومان، اجرای بخشنامه طرح طبقه بندی وزیر نفت در سال گذشته، تبدیل قراردادهای پیمانی به رسمی، رعایت اصول ایمنی و بهداشتی محل های کار و استراحتگاه های کارگران و افزایش مرخصی های نوبت کاری. خواسته‌های کارگران اعتصابی هستند. کارگران شرکتهای پیمانکار بیش از یک سال است که به اشکال مختلف از کارفرمایان و مدیران شرکت نفت خواسته‌اند به مطالبات آنها رسیدگی کنند، اما پاسخ کارفرمایان به آنها تهدید و اخراج و سختگیری بیشتر بوده است. در تابستان سال گذشته آنها مجبور به اعتصاب شدند کارفرمایان در آن هنگام قول دادند اگر کارگران به اعتصاب شان که بسیار وسیع هم بود خاتمه دهند به خواسته هایشان رسیدگی کنند. اما در عمل بجای رسیدگی همان روشهای سرکوبگرانه پیشین شان را ادامه دادند. در آغاز سال جدید آنها پا را از این فراتر نهادند و شروع به کاهش مدت قراردادهای، پرداخت دیر هنگام و نامنظم دستمزدها و افزایش فشارهای مختلف به کارگران شدند. ادارات کار و دیگر نهادهای دولتی که بایستی به حکم وظیفه قانونی شان جلوی یکه تازی و زور گویی های کارفرمایان را بگیرند با سکوت و انفعال خود عملاً از اقدامات کارفرمایان حمایت می کنند، نیروهای امنیتی رهبران کارگران را بازداشت و بیدادگاه های دستگاه قضایی آنها را به زندان و شلاق محکوم می کنند. کار بجایی رسیده که بجای اینکه کارگر بتواند از کارفرما شکایت کند، کارفرما کارگران معترض را به عنوان محل منابع ملی و تولید به دستگاه های امنیتی و قضایی می سپارند تا با این اتهام واهی مجازات شوند. با این اوصاف هیچ امکان دیگری به غیر از توسل به اعتصاب و تن سپردن کارگر به تبعات آن باقی نمی گذارند.

در شرکتهای پیمانکاری بی قانونی حاکم است. صاحبان این شرکتهای بسیار پر سود که اکثراً از وابستگان و نزدیکان حکومت هستند به رغم درآمدهای نجومی و تسهیلات دولتی رایگان حاضر نیستند حقوق کارگران خود را رعایت کنند و ظاهراً آنقدر صاحب نفوذ هستند و از حمایت حکومت برخوردارند که بخشنامه وزیر نفت را نیز بر نمی تابند.

اینک برای دومین بار کارگران دهها شرکت پیمانکاری با فراخوان شورای مدیریت اعتراضات که توسط کارگران انتخاب شده‌اند برای عملی کردن مطالبات شان که بخش اندکی از سود صاحبان پتروشیمی ها و صنایع نفتی را در صورت اجرا شامل می شود دست به اعتصاب زده‌اند. همه شما نیروهای مردمی و آزادیخواه از وضعیت بد معیشتی و شرایط دشوار شغلی کارگران مطلعید. همه می دانیم که حداقل دستمزد یک پنجم خط فقر است و حداقل نیازهای اولیه خورد و خوراک کارگران را تامین نمی کند و صبر و تحمل کارگران در اثر ظلم و سرکوب و گرسنگی و بی مسکنی به سر رسیده است.



اینک که دولت بجای رسیدگی به مطالبات کارگران به اخراج و تهدید و دادن وعده‌های دروغ روی آورده. وظیفه انسانی و اجتماعی ما حکم می‌کند که همه ما به هر وسیله‌ای که می‌توانیم با حمایت از کارگران اعتصابی حق طلب به آنها کمک کنیم تا به خواسته هایشان برسند. ۷۰۰ کارگر پالایشگاه تهران که بخاطر شرکت در اعتصاب در معرض اخراج قرار دارند از مردم کمک خواسته‌اند. تلاش کنیم جلوی اخراج آنها را بگیریم و نگذاریم حکومت موفق به سرکوب این اعتصاب حق طلبانه گردد. حمایت زبانی کافی نیست. کارگران به حمایت عملی نه تنها برادران و خواهران کارگر و زحمتکش خود بلکه به حمایت سایر هم میهنان عدالتخواه و آزاده خود نیاز دارند.

دولتمردان خود با از میان برداشتن قوانین و مقررات حمایتی، جلوگیری از تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری و سرکوب پلیسی اعتراضات و تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر زمینه های گسترش فزاینده اعتصابات کارگری را فراهم کرده و به صاحبان شرکتهای پیمانکاری که از نورچشمی های حکومت هستند امکان داده‌اند استثمار نیروی کار را به حد اعلا برسانند. شرکتهای پتروشیمی بنا به اذعان مسئولین دولتی در سال گذشته بیشتری درآمد ارزی و سود را داشته اند. با این وجود صاحبان آنها حاضر نیستند حتی به اندازه هزینه های زندگی دستمزدهای کارگران را افزایش دهند و ایمنی و بهداشت محل های کار آنها را تامین کنند. با این همه این اعمال ضد کارگری دولتمردان موجب دست برداشتن کارگران از مبارزات حق طلبانه شان نشده و نخواهد شد. مبارزات حق طلبانه کارگران در هر حال تا رسیدن کارگران به مطالبات شان بی وقفه تداوم خواهند یافت



به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!



تجربه تعاونی موندراگون بخش دوم

خابیر باراندیاران و خاویر لزاون



1-زمینه های بنیانگذاری و ارزشهای ناظر بر آن - ادامه

کوشش اولیه آریزمندیاریتا بر استقرار یا بازسازی مؤسسات آموزشی محلی متمرکز بود. او در سال 1943 فعالیت‌هایی را که متوجه ایجاد یک مدرسه فنی - حرفه ای بودند، هدایت کرد و در سال 1948 دست به تأسیس یک انجمن فرهنگی - آموزشی بنام لیگ آموزشی و فرهنگی زد. اوج این فعالیتها در سال 1952، با گشایش یک مدرسه فنی تازه و پررشته، واقع شد. این ابتکارات آموزشی به زودی جای خود را به فعالیت‌های صنعتی سپردند. در سال 1956، گروهی از کارکنان اتحادیه قفل سازان و دانشجویان سابق مدرسه حرفه ای - فنی پیشگفته دست به ایجاد نخستین تعاونی صنعتی زدند. این تعاونی کارگاههای اولگور (و بعدها لوازم برقی خانگی فاگور) نام گرفت و به تولید اجاق گاز و هیتر برقی اختصاص داشت. در خلال یک دهه بعد، تعداد فزاینده ای از تعاونیها در اطراف ماندراگون و شهرهای کوچک اطراف آن استقرار یافتند. تعاونیهای آراسات (1957)، اورسا (1961)، لانا (1962)، و ادراون (1963) برخی از این ابتکارات تعاونی بودند، که غالباً خط تولید تعاونیهای را که از قبل وجود داشتند، تکمیل یا تکرار می کردند.

این جنبش خیلی زود پا به عرصه هائی فراتر از جوهر تولیدی خود گذاشت. گامهای کلیدی در توسعه آنچه بعداً به گروه تعاونی موندراگون فراروئید، عبارت بودند از ایجاد سیستم تأمین اجتماعی در سال 1958، تأسیس یک مؤسسه اعتباری و بانک پس انداز تعاونی در سال 1959، و استقرار گروه اولارکو در سال 1965. این اقدام نخستین کوشش برای هماهنگی فعالیت‌های شرکتهای منفرد و جداگانه بود، که مکانیسمی را برای همبستگی بین تعاونی ایجاد کرد. تعاونی مصرف اروسکی در سال 1969 تأسیس شد که در نهایت به بزرگترین شرکت گروه موندراگون به لحاظ تعداد کارکنان تبدیل شد. در اوایل سالهای 70 قرن گذشته برخی از تعاونیها، مثل ایکرلان، تصمیم گرفتند دست به فعالیت‌های تحقیقات کاربردی بزنند و برخی از آنها، مثل لکس، اقدام به ارائه خدماتی حرفه ای کردند که هدف شان تأمین نیازهای تحقیق و توسعه شرکتهای صنعتی بود. زیرساخت آموزشی و تربیتی گروه در کنار باقی فعالیت‌های گروه همچنان به رشد خود ادامه داد. در سال 1962 یک مدرسه پلی تکنیک جدید ایجاد



شد و ابتکارات مختلفی در سطح آموزش عالی پیشه شدند که پس از ادغام، سرانجام در سال ۱۹۹۷ به تأسیس دانشگاه موندراگون انجامیدند.

گرچه تجربه های اولیه در زندگی و فعالیتهای تعاونی عمیقاً با دیدگاه های اخلاقی و سازمانی آریزمندیاریتا عجین شده بودند، اما این تجربیات مطلقاً از یک برنامه از پیش تعیین شده - یا حتی از یک فلسفه مدیریتی خاص - پیروی نمی کردند؛ بلکه آنها مقدمتاً شکلی از تجربه عملی بودند: تجربیاتی برای استقرار و تداوم فعالیتهای کارآفرینانه، که از منظری عدالتخواهانه به کارگر به عنوان انسان نظر داشتند و بر مدلهای آزموده و مستحکمی از خودگردانی جمعی اتکا داشتند. یکی از مشهورترین گفته های آریزمندیاریتا این بود که "یگانه پندار یا گفتار نیک آنی است که بتواند به کردار درآید". تجربه موندراگون، به مراتب به عنوان آزمایشی مداوم در کار و مدیریت تعاونی بهتر درک می شود، تا به عنوان نتیجه نوعی برنامه ریزی از قبل موجود.

در واقع، تنها در سال ۱۹۸۷، چندین دهه پس از تجربه تعاونیها و بیش از ده سال پس از مرگ آریزمندیاریتا (۱۹۷۶) بود که جنبش موندراگون دست به تدوین فلسفه خود زد. در این سال بود که نخستین کنگره تعاون (CO- operative Congress) " راهنمای تجربه تعاونی موندراگون را، که سندی شامل دو اصل بود، به تصویب رساند.

*کنگره تعاون موندراگون: با "کنگره تعاون"، که به جنبش تعاونی بریتانیا تعلق دارد، اشتباه نشود. این کنگره سابقه طولانیتری از کنگره تعاون موندراگون دارد. نخستین کنگره تعاون بریتانیا در سال ۱۹۶۹ و در تعاقب سنتی برگزار شد که از سالهای دهه ۱۸۳۰ در بریتانیا آغاز شده بود.



بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



درسهای یک آزمون موفق!

صادق



نمایش انتخابات فرمایشی به رغم همه تلاشهای حکومت در اثر تحریم گسترده و بی سابقه مردم با چنان شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد که حتی تصور ابعاد آن برای طراحان و مهندسان حرفه‌ای انتخابات دور از انتظار بود. بطوری که آثار آن را در سراسیمگی و تناقض گویی‌ها و توجیحات همه مسئولین ریز و درشت رژیم از صدر تا ذیل میشد به سهولت دریافت.

آمار و ارقام دستکاری شده و گزارشات ضد و نقیضی که از جانب مسئولین دولتی و حواریون رئیسی منتشر شد نیز نتوانست از ابعاد این شکست کم کند. غایب بزرگ در این انتخابات نیز مانند انتخابات فرمایشی پیشین طبقه کارگر و زحمتکشان و لایه‌های متوسط به پائین اقشار متوسط جامعه بودند. نه رئیسی مدعی عدالتخواهی و نامزدهای هم فکر او و نه همتی کاندیدای نئولیبرالها و نه دعوت کروی و خاتمی و نگهدارها با همه تلاشی که کردند نتوانست مردم، بویژه کارگران و مزد و حقوق بگیران را به پای صندوقهای رای بکشاند و مانع کامیابی تحریم انتخابات فرمایشی شوند.

به واقع نیروی بزرگ تحریم این بار نیز مانند انتخاباتی پیشین مجلس و ریاست جمهوری توده‌های زحمتکش و محروم بودند که ماهیت انتخابات و اهداف کارگردانانها آنرا درک کردند و آگاهانه از شرکت در آن امتناع ورزیدند.

به استثنا آنهایی که با وجود بی رغبتی به دلایلی مجبور به رای دادن شدند و رای باطله به صندوقها ریختند و کسانی که به دلیل اعتقادات مذهبی در نمایش انتخاباتی حکومت شرکت کردند، بقیه شرکت کننده‌گان از خاتمی و کروی گرفته تا سرداران سپاه و روسای اتاق‌های کارفرمایی و روسای دستگاه‌های سرکوب، گذشته از اینکه به کدام یک از نامزدها رای دادند، بواسطه داشتن منافع طبقاتی آگاهانه در انتصابات شرکت کردند و به واقع کمک کردند تا یک قاتل و جنایتکار کم سواد و نابخرد را بر مسند ریاست جمهوری بنشانند. شرکت این گروه‌ها هم انتخابی آگاهانه و بر اساس تشخیص منافع بود.



نقش منافع طبقاتی و طبقات اجتماعی در موضعگیری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک واقعیت غیر قابل انکار است. هرکس که نسبت به منافع طبقاتی خود و سایر نیروهای اجتماعی آنقدر آگاهی و شناخت داشته باشد که بتواند منافع خود را تشخیص دهد، محال است داوطلبانه خلاف منافع طبقاتی خود رفتار کند. اگر کارگران و توده های فقیر به دنبال خمینی افتادند، اگر در انتخابات مجالس و ریاست جمهوری در دوره های زیادی شرکت کردند و به افرادی امثال رفسنجانی، خاتمی، احمدی نژاد و روحانی رای دادند، همه اش از تشخیص غلط منافع و حقوق خود آنها و نشناختن این افراد و فریب های تبلیغاتی آنها بود. اما حالا مدتهاست که دانش و آگاهی طبقه کارگر در اثر تجربه، مبارزه و سواد و پیدا کردن شناخت از سیاستمدارانی که تلاش می کنند خود را ماورا طبقات جا بزنند و مدعی نمایندگان منافع همه اقشار و طبقات بشوند، متحول شده است، بهمین خاطر مردم آگاه دیگر حداقل در ابعاد گذشته فریب ترند های آنان را نمی خورند. تحریم گسترده و بی سابقه و توده ای انتخابات فرمایشی بیش از آنکه تحت تاثیر تبلیغات داخلی و خارجی مخالفان و موافقان رژیم باشد، نتیجه شناخت و درک و فهم مردم، از منافع و حقوق و دوستان و دشمنان شان بود. تحریم نمایش انتخاباتی یک آزمون موفق بود، این آزمون اما بدون مشارکت وسیع زحمتکشان نمی توانست به نتیجه مطلوب برسد. هیچ تغییر اساسی و تحول عمیق سیاسی و اجتماعی دیگری نیز در ایران امروز بدون مشارکت وسیع طبقه کارگر و تضمین منافع و حقوق آن نمی تواند به سر انجام برسد. این واقعیت را خوب است همه ی آنهایی که به دنبال تغییر و تحول بنیادین در ایران هستند همواره به یاد داشته باشند.



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌های نفت و نیروگاه‌ها
اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌های نفت و شماری از نیروگاه‌های برق مهمترین رویداد کارگری این هفته بود. این اعتصاب که تا کنون در سالهای پس از انقلاب در این وسعت و با چنین کیفیتی نظیر آن دیده نشده بار دیگر همه توجه‌ها را به سوی جنبش کارگری و نقش و تاثیر آن بر تحولات کشور معطوف نمود و بسیاری را غافلگیر کرد. مسئولین حکومتی و صاحبان شرکتهای پیمانکاری که استثمار و فشار به کارگران شاغل در این شرکتها را به حداکثر رسانیده‌اند، با وجود اینکه از عمق نارضایتی کارگران آگاه بودند، اما انتظار حرکتی با این وسعت را نداشتند.

آنها که طی سالهای متوالی با کمک قراردادهای موقت و اعمال کنترل پلیسی و تحت حمایت نهادهای حکومتی توانسته بودند از وقوع چنین واکنشی جلوگیری و ثروتهای هنگفتی بواسطه بی حقوق کردن کارگران و استثمار شدید آنان به جیب بزنند، به راستی غافلگیر شدند و سعی دارند با اخراج، تهدید و ایجاد تفرقه در صفوف فشرده کارگران مناسبات ظالمانه تا کنونی را حفظ کنند. با این همه حفظ مناسبات کنونی بعد از این اعتصاب با هیچ وسیله‌ای ممکن نیست. طبقه کارگر آگاه و حق طلب را هیچکس نمی تواند برای مدتی طولانی در غل و زنجیر نگاه دارد و با تحمیل فقر و بی حقوقی به آنها بر ثروتهای نامشروع خود بیفزاید!

اعتصاب کارگران شرکت برق و ابزار دقیق سایت تنبک

کارگران شرکت برق و ابزار دقیق سایت تنبک به گزارش کانال تلگرامی اخبار روز از اول تیرماه با خواست افزایش دستمزد اعتصاب و به اعتصاب سراسری کارگران صنعت نفت پیوستند. گفتنی است که کارگران تعدادی از نیروگاه‌های برق دیگر نیز به اعتصاب سراسری نفت پیوسته‌اند. امید است که سایر کارگران نیز با پیوستن و حمایت از این اعتصاب امکان کامیابی آن را بیشتر کنند.

اعتصاب کارکنان عملیات دریایی شرکت پایانه‌های نفتی خارک باعث توقف نفت به بندر عباس شد

کارگران رسمی پایانه نفتی خارک در ۲۸ خرداد در اعتراض به کسر شدن حقوق دریافتی شان در خرداد اعتصاب و از بارگیری کشتی‌هایی که برای حمل نفت به خارک آمده بودند خودداری کردند. یک نفتکش که برای انتقال ۶۳۰ هزار بشکه نفت از خارک به پالایشگاه بندر عباس آمده بود در نتیجه این اعتصاب نتوانست ماموریت



اش را به انجام برساند و در لنگر گاه متوقف ماند. گفتنی است که اختلاف بر سر دستمزد سال جاری و همچنین کاهش بخشی از مزایای مزدی کارگران رسمی صنعت نفت تا کنون منجر به چندین تجمع اعتراضی آنها شده بود. اما این اولین بار است که به اعتصاب در پایانه نفتی خارک فرا روئیده و انتقال نفت را متوقف کرده است. کارگران رسمی در مناطق مختلف نفتی به دولت مهلت داده‌اند تا ۹ تیرماه به خواسته های آنها رسیدگی کند در غیر این صورت، اعتصاب خواهند کرد.

تجمع اعتراضی کارگران برق در تهران علیه کار پیمانی کارگران توزیع برق در تهران (سیمبان) در دوم تیرماه با برگزاری یک تجمع علیه کار پیمانی و رفتار شرکتی که برای آن کار می کنند اعتراض نموده و خواهان استخدام رسمی به جای پیمانی توسط شرکت برق و رعایت حقوق خود شدند. کارگران نسبت به مکفی نبودن دستمزد و پرداخت نشدن منظم آن و نداشتن امنیت شغلی نیز اعتراض دارند. حدود ۲ هزار کارگر توزیع برق در تهران پیمانی هستند. اعتصاب کارگران نیروگاه رامین در اهواز

کارگران نیروگاه حرارتی برق رامین واقع در اهوز در دوم تیر در اعتراض به پرداخت نشدن منظم دستمزد هایشان، نداشتن امنیت شغلی، حذف مزایا و مخالفت با خصوصی سازی ۴۹ درصد از مالکیت شرکت اعتصاب و مقابل شرکت تجمع نمودند. گفتنی است که تا کنون ۱۰۰۰ نفر از ۲۰۰۰ نفر کارگران و کارکنان این شرکت تعدیل شده‌اند. با این وجود و به رغم کاهش فاحش هزینه‌های نیروگاه مدیریت آن همچنان در تلاش است دستمزد و مزایای کارگران آن را تعدیل نمایند و از پرداخت منظم دستمزد و حقوق کارگران خودداری می کند. بازنشستگان اعتراضات خیابانی شان را از سر می گیرند

تشکلهای مستقل بازنشستگان با انتشار اطلاعیه‌ای خبر از برگزاری اعتراضات خیابانی خود داده و گفته اند در روز یکشنبه ۶ تیرماه در ساعت ده و نیم اولین تجمع خود بعد از انتخابات را مقابل مراکز سازمان تامین اجتماعی برگزار خواهند کرد.

تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه نفت در آبادان

کارگران و کارکنان پالایشگاه آبادان در دوم تیر ماه در اعتراض به کسر مالیاتی جدید از حقوق شان که در عمل موجب کاهش حقوق و دستمزد آنها شده است با برگزاری تجمع اعتراضی علیه این اقدام تازه اعتراض و علیه وزیر نفت نیز شعار دادند. گفتنی است که دولت و مجلس با این ترفند قصد دارند دستمزدها را کاهش و بخشی از هزینه‌های خود را تامین و سطح دستمزدها را پائین نگه دارند. این در حالی است که تورم و گرانی با سرعت در حال افزایش اند و دستمزدها کفاف هزینه های زندگی را نمی دهند. هم اکنون بنا به داده‌های رسمی آمار تورم به ۴۳ درصد رسیده است که گفته شده بالاتری تورم در ۲۵ سال گذشته است.

اعتراض کارگران لاستیک سازی پارس در ساوه

کارگران لاستیک سازی پارس واقع در شهر ساوه در این هفته در اعتراض به پس ندادن سپرده های شان به صندوق پس اندازه کارخانه، پرداخت نشدن دستمزد خرداد و بسته شدن درب کارخانه به روی کارگران معترض توسط کارفرما در پشت در بسته کارخانه تجمع و نسبت به امتناع کارفرما از باز پرداخت سپرده‌های خود و واکنش کارفرما نسبت به آن اعتراض نموده و خواهان پرداخت مطالبات خود شدند. گفتنی است بستن درب کارخانه به روی کارگرانی که اعتصاب و اعتراض می کنند روشی است که بیشتر در گذشته در کشورهای مختلف برای ترساندن کارگران برای مدتی کوتاه اعمال میشد و به (لوک اوت) معروف بود. اما از آنجا که این



روش در صورت طولانی شدن به توقف تولید و سود کارفرما منجر می شود و همان زیانهای اعتصاب را برای کارفرما دارد، دیگر بندرت از آن استفاده می شود.

تجمع کارگران شرکت اتوبوسرانی در تهران

به گزارش کانال تلگرامی سندیکای واحد، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در ۲۳ تیر در اعتراض به عملی نشدن طرح طبقه بندی مشاغل مقابل محل شورای شهر تجمع و خواستار اجرای طبقه بندی مشاغل شدند. گفتنی است که کارگران این شرکت و همچنین نمایندگان سندیکای واحد پیش از این نیز چند بار به اشکال مختلف نسبت به تعلل مدیریت شرکت در انجام این کار اعتراض نموده بودند. خلف وعده های پیاپی مدیران شرکت و شورای شهر کارگران را که از حقوق و دستمزد اندک خود به شدت ناراضی و از این بابت تحت فشار قرار دارند، بر آن داشته تا مبارزت به تجمع کنند. بهر حال اعتراض تنها راهی است که برای کارگران باقی مانده است.

تجمع کارگران چند واحد سنگ کوبی در نی ریز

کارگران تعدادی از واحدهای سنگ کوبی که از کار بیکار شده اند در دوم تیر مقابل فرمانداری نی ریز تجمع اعتراضی کردند. آنطور که خبرگزاری ایلنا نوشته است، علت بیکاری کارگران که تعدادشان ۱۰۰ نفر اعلام شده، تاسیس دو کارخانه جدید در شهرک صنعتی حنا بوده است. ظاهراً این شهر ظرفیت تاسیس کارخانه جدید سنگ کوبی را نداشته است. این گونه اعتراضات در واقع به دلیل بیکاری گسترده در منطقه و نبود محل اشتغال است که انجام می شود. تاسیس دو کارخانه جدید بجای ایجاد اشتغال تازه بخشی از اشتغال موجود را هم از بین برده است. سومین تجمع اعتراضی راهبران متروی تهران برگزار شد

راهبران متروی تهران در ۳۰ خرداد برای سومین بار به دلیل عملی نشدن مطالبات شان در محل شرکت بهره برداری متروی تهران تجمع کردند. دو اعتراض قبلی راهبران پس از گرفتن وعده رسیدگی از مسئولین، پایان یافته بود.

به نوشته ایلنا " اعمال حق جذب و سختی کار مهمترین مطالبه راهبران مترو تهران است که در خطوط ۷ گانه تهران مشغول راهبری قطارها هستند."

معترضی همچنین خواستار به رسمیت شناخته شدن حرفه شان جز کارهای سخت و زیان آور و رفع تبعیضات شغلی خود با سایر کارکنان مترو هستند. تجمعات پیاپی راهبران حاکی از جدیت آنها برای پیگیری مطالبات شان دارد. گفتنی است اعمال بعضی تبعیضات شغلی در محیط های کار که بسیار رایج است، بخشی از ترفند مسئولین و کارفرمایان است که با هدف ایجاد اختلاف در میان کارگران و همچنین سود افزایی انجام می شود و بهیچ وجه تصادفی نیست.

صدای مستقل کارگران فولاد در این هفته گزارشی از اقدامات نیروهای امنیتی و مدیریت فاسد فولاد جهت پیگرد فعالین صنعت فولاد و سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران را منتشر نمود. متن اطلاعیه به شرح ذیل است: از ابتدای امسال مدیریت فاسد گروه ملی صنعتی فولاد، دست در دست عوامل امنیتی شروع به پرونده سازی مجدد علیه تعدادی از فعالان کارگری گروه ملی فولاد نموده و از گوشه و کنار شرکت شنیده می شود که همکاران شریف ما را جهت بازجویی های موقت به دستگاههای اطلاعاتی می کشانند. یوسفی مدیر پروازی شرکت که بخاطر بی لیاقتی و فساد گسترده مورد انتقاد و اعتراض کارگران قرار گرفته، در اقدامی تلافی جویانه غریب حویزآوی و حسین رضائی را رسماً از شرکت اخراج کرده است.



علیرغم حمایت های کارگران گروه ملی از همکاران اخراجی که در تجمعات داخل شرکت و بیانیه های کارگران مستقل محرز بود، کارفرما و نهاد امنیتی لیست بلندی از اخراجی های آینده را تهیه کرده اند و این روزها مشغول سنجیدن واکنش کارگران نسبت به اخراج ها و سرکوب های آتی هستند.

روز دوشنبه سی و یکم خردادماه، غریب حویزروی به همراه دو تن دیگر بنام های ماهر چلداوی و امید کردونی، توسط نیروی انتظامی بازداشت شدند. با اینکه این بازداشت مربوط به درگیری فیزیکی این دوستان بر سر مساله ای غیر از مسائل و مطالبات ما کارگران بوده است، اما سابقه فعالیت های غریب حویزروی و فضای به شدت امنیتی حاکم بر شرکت، تداوم این بازداشت را مبهم ساخته است.

همکاران عزیز، ما اکنون بیش از هر زمان دیگری نیاز به اتحاد داریم. نیروهای امنیتی در تلاشند تا بدون هیچ هزینه ای دست به اخراج های بیشتری بزنند و اگر امروز در برابر آن نایستیم، فردا گریبان بقیه کارگران را هم خواهد گرفت.

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز برای محو کردن شبح سرکوب در این شرکت تلاش خواهد کرد. ما خواهان بازگشت بکار همکاران اخراجی و شفاف سازی درباره بازداشت های اخیر و آزادی بدون قید و شرط بازداشت شدگان هستیم.

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در**

آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را

تامین کند!